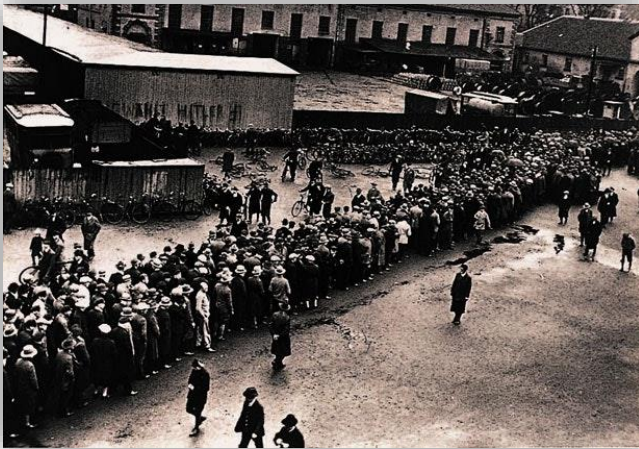


اقتصاد شر

اقتصاد سیاسی دورانِ فاشیسم باید ما را بترساند. این
اقتصاد خیلی آشناست.

اشا کریشناسوامی^۱

ترجمه‌ی محمد فیروزی



^۱ اشا کریشناسوامی وکیل، نویسنده و منتقد رسانه‌ها است.

به مناسبت انتشار کتاب آیشمن در اورشلیم نوشته‌ی هانا آرنت و توجه دوباره به مفهوم ابتدال شر

آن‌ها درباره‌ی سیاست‌های طبقاتی ایتالیایی دوران فاشیسم و آلمان دوران نازی کم‌تر سخن می‌گویند، البته اگر اصلاً بگویند. درباره‌ی این‌که سیاست این رژیم‌ها در قبال خدمات اجتماعی، مالیات‌ها، مشاغل و وضعیت کار چگونه بوده است؟ به نفع چه کسانی و به هزینه‌ی چه کسانی؟

- مایکل پرنٹی^۱، پیراهن‌سیاهان و سرخ‌ها^۲

زمان صحبت درباره‌ی ابتدال شر فرارسیده است. نازی‌ها کار خود را با نسل‌کشی آغاز نکردند. قوانین دادگاه نورنبرگ هم که آغاز کار آنها نبود. با این‌که نظام آموزشی و رسانه‌های ما بر دهشتناک‌ترین، تأثرانگیزترین و آشکارترین سویه‌های فاشیسم تمرکز می‌کنند، اما فاشیسم به شیوه‌ای بسیار نامحسوس‌تر آغاز شد. در وهله‌ی اول، فاشیسم چیزی کلیشه‌ای و برای بسیاری از ما به‌طرز غریبی آشنا است.

پیش از ظهور فاشیسم هر دو کشور ایتالیا و آلمان دارای سیستم قدرتمند شبکه‌ی حمایت اجتماعی و خدمات عمومی بودند. راه‌آهن ایتالیا که از همان اوایل سال ۱۸۶۱ همواره دایر بود و بسیاری از نقاط روستایی دورافتاده را نیز پوشش می‌داد، ملی شده بود. صنعت مخابرات در سال ۱۹۰۱ ملی شده بود. خطوط تلفن و خدمات تلفن عمومی در همه جا در دسترس بود. در سال ۱۹۰۸ صنعت بیمه‌ی عمر ملی شد و برای اولین بار، حتی فقرای ایتالیایی نیز می‌توانستند مطمئن باشند که در صورت مرگ زود هنگام، خانواده‌ی آن‌ها تحت مراقبت قرار خواهند داشت.

ایتالیا بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۱ دوران آزادسازی کارگران را پشت سر می‌گذاشت، دوره‌ای که اصطلاحاً بیونو روسو [Biennio Rosso] نامیده می‌شود. در کارخانه‌ها، کارگران ایتالیایی شکلی از تعاونی را برای تقسیم سود سازمان دادند، کشاورزی مشارکتی جایگزین زمین‌داری بزرگ شد، و کارگران امتیازات زیادی از جمله حقوق بالاتر، ساعت کاری کم‌تر و امنیت شغلی بیشتر به دست آوردند.



کارگران کارخانه در دوره‌ی بیوتو روسو

در آلمان نیز، اتو فون بیسمارک خدمات درمانی را در سال ۱۸۷۱ برای تمام آلمانی‌ها ملی کرد. بیسمارک مستمری سالمندی را هم به‌عنوان تأمین اجتماعی عمومی تصریح کرد. در دوران دولت بیسمارک، همراه با دایر کردن مدارس عمومی برای تمام کودکان، کار کودکان موقوف شد. آلمان وارث شبکه‌ی راه‌آهن ملی امپراطوری پروس بود. در دهه‌ی ۱۸۹۰ قدرت سوسیال‌دموکرات‌ها در آلمان افزایش یافت و در واکنش به آن قیصر قانون حفاظت از کارگران را در سال ۱۸۹۰ به اجرا درآورد. پس از جنگ جهانی اول، سوسیال‌دموکرات‌های آلمانی تأثیر و نفوذ زیادی داشتند. در آلمان عضویت در اتحادیه‌ها امری پویا بود و بدین سبب شبکه‌ی امن قدرتمندی شکل گرفت: «مصوبه درباره‌ی قراردادهای جمعی، کمیته‌های کارگران و کارمندان و حل‌وفصل نزاع‌های کارگری» راه را برای چانه‌زنی جمعی، اجرای قانونی قراردادهای کاری و تأمین اجتماعی مجروحان جنگی و همسران بازماندگان و وابستگان‌شان باز کرد. در سال ۱۹۱۸ به تمام کارگران آلمانی بیمه‌ی بیکاری تعلق گرفت.

سیاست‌های فاشیسم

بنیتو موسولینی در اکتبر ۱۹۲۲ به نخست وزیری رسید. نازی‌ها نیز در سال ۱۹۳۳ در آلمان قدرت را در اختیار گرفتند. موسولینی درست پس از تشکیل کابینه‌ی خود تصمیم به خصوصی‌سازی تمامی شرکت‌های دولتی گرفت. در سوم دسامبر ۱۹۲۲، آنها قوانینی را تصویب کردند که بر اساس آن دولت موظف به کوچک‌شدن، کاهش عملکرد، کاهش هزینه‌ها و همچنین اصلاح قانون مالیات می‌شد. سپس خصوصی‌سازی به صورت گسترده انجام گرفت؛ اداره‌ی پست، شرکت راه‌آهن، شرکت‌های تلفن و حتی شرکت‌های بیمه‌ی عمر دولتی خصوصی شدند. در نتیجه این اقدامات دو شرکت، آسیکوراتسیون جنرالی (AG) و آدریاتیکا دی سیکورتا (AS)، که بیشترین لابی‌ها را انجام داده بودند عملاً تبدیل به یک شرکت انحصاری چندجانبه شدند. حق بیمه‌ها افزایش یافت و در نتیجه فقرا از شمول بیمه‌ی عمر حذف شدند.

پس از خصوصی‌سازی قطارها، برخلاف افسانه‌های محبوب درباب خصوصی‌سازی، خدمات آن‌ها کندتر و نامنظم‌تر شد.

در ژانویه ۱۹۲۳، موسولینی قوانین کنترل اجاره‌بها را ملغی کرد، استدلال وی برای این کار باید برای ما آشنا باشد چراکه همان استدلالی است که امروزه در بسیاری از مقاله‌ها برای حمله به قوانین کنترل اجاره‌بها به کار می‌رود: ادعای او این بود که قوانین کنترل اجاره‌بها مانع از آن می‌شود که صاحبان زمین اقدام به ساخت خانه‌های جدید کنند. این سیاست جدید در حوزه‌ی مسکن با اعتراض مستأجرین مواجه شد که در پاسخ، دولت فاشیست دستور به انحلال اتحادیه‌ی مستأجرین داد. حاصل این سیاست‌ها افزایش فاحش اجاره‌بها در رم بود؛ بسیاری از خانواده‌ها سرپناه خود را از دست دادند. برخی برای زندگی به غارها پناه بردند.

<p>MUSSOLINI FORBIDS TENANTS' MEETING</p>	<p>was the repeal of all the emergency housing laws passed in war times. These laws were enacted at the height of the housing difficulties and were of such severity that they prevented landlords from raising rents or evicting tenants for any reason, while taxes were raised to such figures that the landlord was no longer the real owner of his property, but merely administered it at very small profit for the good of the community.</p>	<p>markable example of plain speaking to the Chamber and Senate. He says: "Considering that the new housing laws contain plenty of guarantees for tenants: considering that almost all persons here in Italy, landlords and tenants, have reached agreements by direct, friendly negotiations: considering that in Rome also such friendly negotiations are about to bear good fruit: considering that the meeting which has been called for Jan. 28 has been rendered unnecessary by the above mentioned negotiations: considering that one of the promoters of the meeting is a certain Signor Francesco Visco, a Deputy by profession, who has always showed hospitality to the present Government: considering that another promoter is a certain Signor Francesco Zandarelli, a Deputy by profession, who is certainly one of the moral accomplices of the horrible murders at the Palazzo d'Accursio in Bologna: considering that a third promoter is a certain Signor Elio Risoldi, a Deputy by profession, who by his whole-hearted support of Communist theories has evidently accepted citizenship of a nation whose Government has declared war against Fascism: considering all these things, this meeting of Jan. 28 is forbidden."</p>
<p>It Had Been Called to Protest Against Repeal of Wartime Housing Laws.</p>	<p>Mussolini realized that one of the results of this legislation was that nobody dared build any houses, and that it was not accomplishing one of its main purposes. He therefore determined to repeal the housing laws, leaving the unpopular, which this measure was bound to bring him among the millions of tenants who faced the danger of having their rents suddenly doubled or tripled. At the same time he issued a warning to landlords, telling them that they had better act with moderation, as otherwise it would be the worse for them.</p>	<p>"I intrust the head of the Roman police with the duty of seeing that the present order is carried out."</p>
<p>HE FOUND THEM TOO SEVERE</p>	<p>As was foreseen, subversive elements have attempted to take advantage of the apprehensions of the tenants to stage meetings of protest against the present Government. Such a meeting was scheduled to take place in Rome on Jan. 28. The Premier today forbids this meeting, issuing an order which is a</p>	<p>repeal of the housing laws, leaving the unpopular, which this measure was bound to bring him among the millions of tenants who faced the danger of having their rents suddenly doubled or tripled. At the same time he issued a warning to landlords, telling them that they had better act with moderation, as otherwise it would be the worse for them.</p>
<p>Abrogated Them Because He Felt They Were Preventing Building to Relieve the Shortage.</p>	<p>As was foreseen, subversive elements have attempted to take advantage of the apprehensions of the tenants to stage meetings of protest against the present Government. Such a meeting was scheduled to take place in Rome on Jan. 28. The Premier today forbids this meeting, issuing an order which is a</p>	<p>repeal of the housing laws, leaving the unpopular, which this measure was bound to bring him among the millions of tenants who faced the danger of having their rents suddenly doubled or tripled. At the same time he issued a warning to landlords, telling them that they had better act with moderation, as otherwise it would be the worse for them.</p>
<p>Copyright, 1933, by The New York Times Company. By Wireless to THE NEW YORK TIMES. ROME, Jan. 20.—One of Mussolini's first acts on becoming Premier of Italy</p>	<p>As was foreseen, subversive elements have attempted to take advantage of the apprehensions of the tenants to stage meetings of protest against the present Government. Such a meeting was scheduled to take place in Rome on Jan. 28. The Premier today forbids this meeting, issuing an order which is a</p>	<p>repeal of the housing laws, leaving the unpopular, which this measure was bound to bring him among the millions of tenants who faced the danger of having their rents suddenly doubled or tripled. At the same time he issued a warning to landlords, telling them that they had better act with moderation, as otherwise it would be the worse for them.</p>

بار دیگر این سیاست‌ها به مالکان اجازه داد سود و مایملک خویش را افزایش دهند، که به قیمت آسیب جدی به فقرا تمام شد.

در همین دوره، موسولینی به منظور حذف «اتلاف منابع دولتی»، دستور به برچیدن گستره‌ی دولت فدرال از مناطق روستایی ایتالیا داد. این یعنی کشاورزان، کارگران و دهقانان محلی دیگر حمایت دولت را در برابر سوءاستفاده‌ی کسب‌وکارهای کشاورزی نداشتند. در عوض این اقدام موجب شد که آنان تمام و کمال در چنگ شرکت‌های بزرگ باشند.

سیاست‌های اقتصادی هیتلر نیز شکل تقویت‌شده‌ی همان سیاست‌های موسولینی بود. در دهه‌ی ۲۰، حزب نازی، حزب کوچکی بود. در انتخابات ۱۹۳۲ نیز از اکثریت مطلق برخوردار نبود. صورت‌جلسه‌ی دادگاه نورنبرگ از توافق پشت‌پرده و پنهانی بانکداران و صاحبان صنایع در ۴ ژانویه‌ی ۱۹۳۳، با فون پاپن [صدراعظم وقت آلمان] بر سر به قدرت رساندن هیتلر خبر می‌دهد. طبق گفته‌ی کورت بارون فون شرودر بانکدار:

مذاکرات به‌صورت اختصاصی بین پاپن و هیتلر انجام شد [...] پاپن گفت که بهترین شکل دولت به‌نظر او، دولتی است که در آن عناصر ملی‌گرا و محافظه‌کارانی که از او حمایت کرده بودند، در کنار نازی‌ها معرفی شوند. او پیشنهاد داد این دولت جدید، در صورت امکان، باید توسط هیتلر و خودش به‌صورت مشترک رهبری شود. پس از

آن اما هیتلر در سخنرانی طولانی‌ای که ایراد کرد گفت اگر به صدراعظمی برگزیده شود، همراهان پاپن در صورتی که قصد حمایت از سیاست‌های او برای انجام تغییرات گسترده در برنامه‌های فعلی دولت را داشته باشند، می‌توانند به‌عنوان وزیر در دولت او (یعنی دولت هیتلر) ایفای نقش کنند. هیتلر رئیس کلی تغییرات مد نظرش را این‌گونه شرح داد: عزل و حذف تمامی سوسیال‌دموکرات‌ها، کمونیست‌ها و یهودی‌ها از تمامی سمت‌های مدیریتی در کشور، و همچنین برقراری دوباره‌ی انضباط در زندگی عمومی. پاپن و هیتلر در عمل به توافقی رسیدند که به موجب آن بسیاری از اختلافات بین آنها حذف و همکاری بین آنها ممکن شود. توافق بر سر جزئیات به گفت‌وگویی در برلین یا جای مناسب دیگری موقوف شد.



در فوریه‌ی ۱۹۳۳، هیتلر به‌عنوان صدراعظم با سرمایه‌داران پیشگام آلمان از جمله نمایندگان شرکت‌های زیمنس، فاربن و بی.ام.دبلیو، صاحبان صنایع زغال سنگ، شرکت سهامی تیسین، ای‌جی کروپ، و همچنین عده‌ای از بانکداران، سرمایه‌گذاران، و دیگر آلمانی‌های متعلق به یک درصد جامعه‌ی بلندپایگان، در خانه‌ی هرمان گورینگ دیدار

کرد. در این ملاقات هیتلر گفت: «بخش خصوصی نمی‌تواند در عصر دموکراسی دوام آورد.»

در سال ۱۹۳۴، نازی‌ها خلاصه‌ی طرح خود برای احیای اقتصاد آلمان را ارائه کردند. رئیس کلی این طرح شامل خصوصی‌سازی دوباره‌ی صنایع اساسی بود: راه‌آهن، پروژه‌های امور عام‌المنفعه، ساخت‌وساز، صنعت فولاد و بانکداری. اما در صدر همه‌ی آن‌ها، هیتلر سود بخش خصوصی را تضمین کرد، در نتیجه، سیل صنعتگران و بانکداران آمریکایی با طیب خاطر به آلمان روانه شدند.

نازی‌ها برنامه‌ی روشنی برای مقررات‌زدایی داشتند. اقتصاددانان نازی بیان داشتند: «مهم‌ترین نیاز تجارت آلمان صلح و آرامش است. به این معنا که می‌بایست احساس امنیت قانونی مطلق، و اطمینان از بازگشت سود تضمین‌شده وجود داشته باشد. دخالت در بازار که از ابتدا و احتمالاً در نتیجه‌ی ذوق و شوق زیادی وجود داشته، دیگر غیر قابل تحمل شده است.»

قوانین حمایت از کارگران که در نتیجه‌ی قدرتمندترین جنبش سوسیال‌دموکراسی در اروپا، در آلمان تدوین شده بود به‌عنوان مانعی جدی در برابر کسب‌وکارهایی بود که «آزادانه و بدون دخالت فعالیت می‌کردند.»

نازی‌ها مراقب بودند که «قانون‌گذاری» بیش از حد باعث مختل شدن کسب‌وکارها و تجارت نشود. در سوم ماه می ۱۹۳۳، هیتلر پیراهن قهوه‌ای‌های^۳ خود را به تمام مقرهای اتحادیه‌های کارگری فرستاد. رهبران اتحادیه‌ها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و به زندان یا اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شدند. مهم‌تر آن‌که نازی‌ها صندوق ذخیره‌ی اتحادیه‌ها را مصادره کردند (پولی که کارگران برای عضویت در اتحادیه پرداخت می‌کردند). اوباش طرفدار هیتلر جای رهبران اتحادیه‌ها را گرفتند، کسانی که اساساً با اتحادیه‌های کارگری مخالف بودند و انگیزه‌ای برای چانه‌زنی بر سر دستمزد و حقوق کارگران نداشتند. این معنای واقعی برداشتن قوانین دست‌وپاگیر از سر راه کسب‌وکارها برای نازی‌ها بود.

REICH WILL PUSH PRIVATE BUSINESS

Continued from Page Twenty-nine.

Reich Finance Minister is empowered to advance loans from a fund of 500,000,000 marks for repair work, the extension of construction, housing operations and the like. Borrowers must supply four times the amount of the government loan.

Essential public works will be energetically prosecuted, it is announced, as an indirect stimulus to private business, and new aid is promised to agriculture. For neither are the details set forth. Nor is the intended reorganization of banking and the money market fully explained.

"Preparatory steps for improvement of the banking laws have al-

در بیستم ژانویه ۱۹۳۴، نازی‌ها قانون سامان‌بخشی کار ملی^۴ را تصویب کردند. قانونی که به صراحت قدرت دولت برای تعیین حداقل دستمزد و شرایط را ملغی کرد. این قانون عنوان می‌داشت: «براساس این قانون، تصمیم‌گیری درباره‌ی همه‌ی امور کارمندان و کارگران [تنها] برعهده‌ی رؤسای شرکت‌ها است». کارفرماها سطح دستمزدها و سایر مزایا را کاهش دادند. اعتصاب و یا شرکت در سایر فعالیت‌های جمعی در راستای چانه‌زنی بر سر حقوق و حقوق ممنوع شد. شرایط کاری به شدت سخت‌تر شد به حدی که رئیس AFL در بازدید خود از آلمان در ۱۹۳۸، شرایط زندگی کارگران در آلمان را با وضعیت بردگان قابل مقایسه دانست. کارگران در آلمان تحت حکومت نازی‌ها ناچار به ساعت کاری بیشتر در قبال دستمزد کمتر بودند.

فاشیسم ترکیب مبهم و گیج‌کننده‌ای از دولت و ابرشرکت‌ها نیست، بلکه فاشیسم واگذاری وظایف دولت بر عهده شرکت‌های خصوصی است. فاشیسم جایگزینی منافع عمومی با سود خصوصی است.

علی‌رغم آنچه که در مدارک دست‌اول و قابل‌تأملی که به‌راحتی در میان صورت‌جلسه‌های دادگاه نورنبرگ قابل دسترسی هستند موجود است، چرا همچنان افسانه‌ی «مداخله‌گری دولت» پابرجاست؟ بسیاری اتحادیه‌ها که رسانه‌ها و اخبار مستقل داشتند در دوره‌ی مک‌کارتیسم قلع و قمع شدند. در نتیجه ما از گزارش‌های دست اول از وحشت فاشیسم بی‌بهره مانده‌ایم. صاحبان صنایعی که از خدمات هیتلر بهره‌مند شدند شرکت‌های روابط عمومی را برای بازنمایی هرچه بهتر اعمال هیتلر استخدام کردند. برای مثال شرکت آی جی فاربن، لی ایوی، پدر علم روابط عمومی را برای سفیدشویی اعمال نازی‌ها در رسانه‌های بزرگ آمریکایی استخدام کرد. کما این که فعالیت برای ایجاد رویکرد عمومی مثبت نسبت به فاشیسم حرفه‌ای بود که پس از پایان جنگ جهانی دوم در آمریکا شکوفا شد.

همان‌گونه که کوری رابین در کتاب *ذهن/رتجاعی می‌نویسد*: «هرچند هرازگاهی، حکومت‌شوندگان علیه سرنوشت خویش شورش می‌کنند. آن‌ها نسبت به وضعیت خود اعتراض می‌کنند، نامه‌ها و بیانیه‌ها را امضا می‌کنند، به جنبشی می‌پیوندند و حقوق خود را مطالبه می‌کنند. اهداف آن‌ها شاید حداقلی و چیزی مانند حفاظت‌های بهتر درون کارخانه‌ها باشد یا خواستِ پایان دادن به تجاوزهایی که درون ساختار ازدواج رخ می‌دهد. اما با ابراز آنها، امکان تصور تغییر بنیانی [مناسبات] قدرت را در ذهن می‌پروراند. آن‌ها از نقش خدمت‌گزار و ملت‌مس دست می‌کشند و خود تبدیل به سخن‌گویان و نمایندگان خود می‌شوند و از طرف خودشان و برای خودشان دست به عمل می‌زنند. اما بیش از خود اصلاحات، این ابراز عاملیت طبقاتی - که صدای مطالباتش به‌صورت مصرانه و مستقل بظهور می‌رسد - است که حاکمانشان را می‌آزارد.»

شاید، بهترین راه برای فهمیدن ساختاری حقیقت‌درباره‌ی فاشیسم نیز همین باشد.

پیوند با منبع اصلی

<https://historically.substack.com/p/the-economy-of-evil>

¹ Michael Parenti

² Blackshirts and Reds

^۳ اشاره دارد به اس آ یا گروه ضربت که به عنوان ارتش اختصاصی نازی‌ها، از اوپاش سرسپرده‌ی هیتلر تشکیل شده بود. م.

⁴ Law Regulating National Labor